



24 مارچ 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

تأملی برسخرانی رئیس جمهور کرزی در شورای ملی افغانستان (قسمت دوم)

(به ادامه قسمت اول)

9 - جناب رئیس جمهور می فرماید: «حضور بیشتر از ده میلیون پسر و دختر ما در مکاتب، پوهنتون ها، آموزشهای مسلکی و تحصیلات عالی در خارج کشور از دست آوردهای بس بزرگ مردم افغانستان در دوازده سال گذشته بوده است...»

جای شک نیست که فقدان امکانات تعلیم و تربیه سالم طی یک ربع قرن مشکل بزرگ را برای کشور بوجود آورده و توجه در این ساحه در راس اولویت های انکشافی دولت قرار دارد. امروز مردم ما به اهمیت تعلیم و تربیه پی برده و از پیر تا جوان در جستجوی آن میباشند، مردم همه میخواهند اطفال شان به مکتب بروند و همه جوانان آرزو دارند از تحصیلات عالی برخوردار شوند. به مناسبت شروع سال جاری تعلیمی سه روز قبل وزیر معارف ارقام بسیار بلند و بالا را در مورد پیشرفتهای آن وزارت در طول دوازده سال و بخصوص در یکی دو سال اخیر بیان کرد که همه ارقام بیانگر کمیت پیشرفت ها بود و وزارت تحصیلات عالی نیز یکماه قبل اعلام کرد که 260 هزار دواطلب در امتحان کانکور اشتراک نموده که از جمله 50 هزار در موسسات عالی و 57 هزار در موسسات نیمه عالی جذب خواهند شد.

واقعاً این تحول از نظر کمیت یک پیشرفت قابل ملاحظه است، ولی از نظر کیفیت و نیز از نظر نیازمندی کشور به رشته های مورد ضرورت، خاصاً در ساحات مسلکی قابل نگرانی جدی میباشد و عواقب آن برای آینده ناگوار خواهد بود، چنانکه رئیس جمهور در بیانیه خود به این معضله اشاره میکند و می گوید: «تنها دسترسی فرزندان ما به تحصیل کافی نیست. باید برنامه های اقتصادی اشتغال را گسترش دهیم و وسعت دهیم. در این رابطه بخش خصوصی اقتصاد کشور ما مسوولیت بزرگی را بر عهده دارد. از لحاظ اقتصادی دولت به تنهایی قادر به فراهم آوری کار برای جوانان دواطلب کار نمی باشد».

با ملاحظه اینکه برطبق ارقام وزارت کار و امور اجتماعی هم اکنون در حدود 800 هزار نفر در کشور بیکار بوده و حدود سه میلیون نفر دیگر دارای کارهای کاذب و یا کوتاه مدت هستند که از نظر پرنسپ آنها نیز جز بیکارها محسوب میشوند و به ارتباط آنچه که فوقاً در بیانیه رئیس جمهور منعکس شد، دو مشکل عرض وجود میکند:

- یکی اینکه نسبت کمبود استادان ورزیده و فقدان وسایل درسی، سوبه محصلان بعد از فراغت فاقد کیفیت لازم علمی میباشد، لذا سپردن مسوولیت یک وظیفه تخصصی به همچو اشخاص که دیپلوم دردست دارند ولی فاقد کفایت لازم مسلکی میباشند، خطرناک است. طورمثال سپردن یک کار مهم در یک پروژه ساختمانی به شخصیکه دیپلوم انجینیری را در امور مربوطه در دست دارد و اما به دلیل فقدان کفایت مسلکی نمیتواند فشار یک عمارت چند منزله را به روی تهداب آن به ملاحظه مقاومت زمین دقیقاً محاسبه کند، این خطر را به وجود می آورد که عمارت در اثر یک زلزله سقوط کند و موجب تلفات صدها انسان گردد.

- دیگر اینکه فارغان پس از اخذ دیپلوم از مؤسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی توقع دارند تا فوری شامل کار گردند. از آنجائیکه جذب همه فارغان در دستگاه دولت امکان پذیر نیست، باید این فارغان در سکتور خصوصی جذب شوند. اینکه تا چه حد امکان جذب در سکتور خصوصی وجود دارد، یک سؤال عمده است. هرگاه این توقع برآورده نشود، موجب ناراحتی و نارضایتی آنها میگردد؛ طورمثال از 260 هزار دواطلب کانکور، 110 هزار آن چانس تحصیل بالاتر را حاصل میدارند و از این تعداد 100 هزار آن بعد از حد وسط چهارسال فارغ التحصیل میشوند. هرگاه دولت و سکتور خصوصی نتوانند زمینه استخدام آنها را در رشته های مربوطه فراهم سازند، درآنصورت تعدادی از این تحصیلکرده ها بیکار مانده و در نهایت به «دست فروشان لیسانسیه» در بازار تبدیل خواهند شد. در اینجا از یکطرف مصرف چهار سال تحصیل به هدر خواهد رفت و از طرف دیگر بیکاری موجب

ایجاد عقده گردیده و آنها را به حیث «اردوی جوانان بیکار و بی روزگار» شامل گروه های ناراضی خواهند ساخت.

اینکه کشور بیشتر به کارگران ماهر مسلکی ضرورت دارد، یک حقیقت غیرقابل تردید است. این ضرورت عاجل را میتوان فقط از راه تعلیمات مسلکی زودتر مرفوع کرد که متعاقب پایان یافتن تعلیمات متوسطه باید زمینه های تعلیمات مسلکی در رشته های اختصاصی برای یک تا دو سال دروس عملی و نظری برای جوانان مهیا گردد، حتی در بعضی موارد ممکن است بعد از فراغت صنف ششم جوانان را تشویق به رفتن به مکاتب مسلکی نمود. در این صورت از یکطرف ضرورت اشد سکتور خصوصی به کارگران ماهر مسلکی تاحدی مرفوع میگردد و از طرف دیگر فشار بر مؤسسات تحصیلات عالی کمتر شده و زمینه ارتقای سطح تعلیمی در پوهنتون ها مساعد میشود. با این ترتیب میتوان ظرفیت های تولیدی را نیز در داخل کشور ایجاد و تقویه کرد و در عین زمان جوانان را به کارهای مؤلف و پرثمر که جانشین کارگران ماهر خارجی شوند، آماده ساخت.

10- در مورد پیشرفتهای اقتصادی طی دوازده سال جناب رئیس جمهور با ارائه بعضی ارقام اغوا کننده می پردازد و چنین می گوید: «دولت کاله دمخه زموږ په هیواد کې په متداول مفهوم ملي اقتصاد موجود نه و زموږ په هیواد کې د ډلو له خوا څو ډوله پیسې چاپیدې او په متفاوتو ارزښتونو په بازار کې چلیدې. د پولې اصلاح سره سم زموږ پولې واحد (افغانی) د سیمې په باثباتو پیسو کې حساب شوی او زموږ اسعاري ذخایر له 180 میلیونه ډالرو څخه 7.18 میلیارد ډالرو او زموږ د خلکو سرانه عاید له 150 ډالرو څخه 700 ډالرو ته لوړ شول، خو له دغو ټولو بریاوو سره سره زموږ اقتصاد اوس هم پر ملي تولیدي وړتیاوو متکی نه دی. سره له دې چې په تیرو کلونو کې 39 زره شرکتونو د سرمایه گذاری جواز اخیستی دی، خو له دې سره سره بیا هم په تولیدي برخو کې د سرمایه گذاری حجم لږ دی. په تیرو کلونو کې زموږ په هیواد کې بریالی سرمایه گذاري د مخابراتو او تعمیراتو په برخه کې شوي دي چې د توجه وړ دي، او موږ یې قدر کوو» (قبل از دوازده سال در وطن ما مفهوم متداول اقتصاد ملی موجود نبود.... در وطن ما از طرف گروه ها چند نوع پول چاپ می شد و با ارزش های متفاوت به بازار در دوران بود. به اساس اصلاح پولی واحد پولی ما [افغانی] در منطقه به حیث پول با ثبات حساب می شود و ذخایر اسعاری ما از 180 ملیون دالر به 7.18 میلیارد دالر و عاید سرانه مردم از 150 دالر به 700 دالر [درسال] بالا رفته و اما باوجود این همه موفقیت ها هنوز هم اقتصاد ما بر تولیدات ملی متکی نیست. با آنکه در سالهای گذشته 39 هزار شرکت جواز سرمایه گذاری را گرفته اند، با وجود آن باز هم در ساحات تولیدی حجم سرمایه گذاری کم است. در سالهای گذشته در کشور ما سرمایه گذاری موفق در ساحة مخابرات و تعمیرات صورت گرفته که قابل توجه است و ما آنرا قدر میکنیم).

برای بررسی گفتار جناب رئیس جمهور در متن فوق لازم است تا هر قسمت آنرا بطور جداگانه مورد تبصره قرار داد:

– رئیس جمهور می فرماید: «قبل از دوازده سال در وطن مفهوم متداول اقتصاد ملی موجود نبود». در اینجا ذکر «قبل از دوازده سال» میتواند گذشته های طولانی را احتوا کند و هم میتواند این معنی را افاده کند که در افغانستان هیچگاه «مفهوم متداول اقتصاد ملی» قبل از آن وجود نداشت، در حالیکه پلانهای پنج ساله و هفت ساله در دوره های قبل از کودتای ثور نشانه واضح از موجودیت یک نظام اقتصادی مبتنی بر اهداف ملی بوده و حتی به مراتب بهتر از نظام اقتصادی امروز کشور. پروژه های بزرگ و زیربنایی که با منابع بسیار کم پولی و شرایط دشوار به پایه اكمال رسیدند، از دست آوردهای مهم آن دوره محسوب میشوند که تهداب انکشاف اقتصادی کشور را برای سالهای بعد بنیاد گذاشت.

– اشاره رئیس جمهور به چاپ چند نوع پول با ارزش های متفاوت بوسیله گروه ها، یکی از نکات بسیار قابل توجه است که تاحال مقامات دولتی در مورد آن کمتر تبصره کرده اند، در حالیکه چاپ غیرقانونی پول یکی از جرایم بسیار جدی و حتی به مثابه خیانت ملی پنداشته میشود. برطبق موافقتنامه نام نهاد «اسلام آباد»، مورخ 7 مارچ 1993 که بین سران هشت تنظیم در آن شهر زیر نظر حکومت پاکستان به امضا رسید و اساس حکومت تنظیمی را در کابل بنا نهاد، ماده ششم، فقره «ل» تصریح میکند که «صدور اجازه رسمی برای چاپ بانک نوت ها» از صلاحیت رئیس جمهور میباشد. مرحوم استاد ربانی وقتی در این مقام قرار گرفت، مسئولیت مقدار چاپ بانک نوت به عهده او گذاشته شد. طور معلوم موصوف با استفاده از این صلاحیت به پیمانهای ای به چاپ

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

پول بوسیله یک یا دو مؤسسه روسی مبادرت ورزید که در اثر آن ارزش پول افغانی به اندازه ارزش «پراکاه» سقوط کرد و موجب انفلاسیون سرسام آور گردید. مسئولیت مستقیم این وضع بدون شک مستقیماً بدوش او است که در اثر این بی مبالاتی با حساس ترین «سرمایه ملی» خسارات بزرگ و غیر قابل جبران را به اقتصاد کشور وارد کرد. در همین آوان جنرال دوستم نیز در شمال کشور به نشر پول افغانی بطور خودسر به پیمانیه بسیار وسیع پرداخت که در نتیجه آن ارزش تبادلوی پول افغانی «دوستمی» به یک دالر معادل 110 هزار افغانی سقوط کرد، در حالیکه ارزش پول افغانی «ربانی» یک دالر به 60 تا 70 هزار افغانی میرسید. استاد ربانی به جرم بی مبالاتی در سرمایه ملی و سوء استفاده از صلاحیت و دوستم به جرم نشر پول غیرقانونی متهم بوده و هر دو باید مورد محاکمه جدی قرار میگرفتند. اما سیاست مصلحت گرایی جناب رئیس جمهور کرزی نه تنها تعقیب این جرایم را مورد اغماض قرار داد، بلکه کوشید آنها را از نظر مردم پنهان کند. امروز بعد از دوازده سال میخواید با رزنگی خاص این خیانت را به روی دوستم بکشد تا رقیب را ضربه زند.

– نکته مهم دیگر در گفتار رئیس جمهور در مورد سرمایه گذاری در ساحه مخابرات و تعمیرات بود که آنرا موفق و قابل توجه و تحسین خواند. در مورد تعمیرات واضح است که این انکشاف از طریق سرمایه گذاری خصوصی و به وسیله افراد و شرکتهای ساختمانی اغلب خارجی بطور پراکنده و خارج از یک پلان عمومی شهری وبدون رعایت لازم مقررات ساختمانی صورت گرفته است. ساختمانهای چندین منزله در اطراف اکناف کابل و دیگر شهرهای بزرگ به وسیله «ملیونرهای جدید به دوران رسیده» یگانه طریقی بود که بیشترین پولهای غیرقانونی «سیاه» را به جایداد های تبدیل کنند. هیچ کسی از این اشخاص نپرسید که پولها را از کجا و چگونه بدست آورده اند.

– در مورد سرمایه گذاری در ساحه مخابرات واقعاً یک قسمت آن ضروری و مهم میباشد، نه به آن حدی که امروز در افغانستان انکشاف کرده است. لازم بود تا حدود این سرمایه گذاری را دولت به روی ضرورتهای واقعی تعیین میکرد. بسیار مضحک است، وقتی دیده میشود که یک گدا در وسط سرک نشسته با یک دست از هر رهگذر طلب کمک میکند و با دست دیگر در تلفون موبایل خود مصروف صحبت است، به عبارت دیگر از پول گدائی کارت تلفون خریداری میکند و بدینوسیله پول گدائی او در جیب اغلب شرکتهای بزرگ خارجی ریخته میشود و پول به بیرون کشور انتقال میکند. این نوع سرمایه گذاری که بیشتر با تکنالوژی بسیار پیشرفته و پر قیمت صورت میگیرد، از نظر استخدام تأثیر بسیار کوچک دارد و ارقامی که در مورد اشتغال زائی آن به نشر میرسد، بسیار مبالغه آمیز است.

– در زمینه بلند رفتن عاید سرانه و اصلاحات پولی و همچنان افزایش ذخایر اسعاری کشور باید گفت: به مقایسه مقادیر هنگفتی پولیکه طی این دوازده سال در کشور سرازیر شد و باید تحول بسار چشمگیر در وضع اقتصادی کشور رونما می شد، متأسفانه جناب رئیس جمهور دست آورد دوره کار خود را به آن نکانی پیوند داد که اساساً با تحول و پیشرفت اقتصادی کشورچندان ارتباط نمی گیرند. ریفورم پولی محصول کار مستقیم حکومت نبود، بلکه از مجاری بین المللی و بوسیله امداد خارجی عملی شد و نیز افزایش عاید سرانه و افزایش ذخایر اسعاری ناشی از سرازیر شدن کمک های پولی خارجی بود، نه انکشاف اقتصادی کشور.

یک نگاه مختصر به ارقام کسر بیلانس تجارت خارجی به وضاحت میرساند که صادرات کشور در سال 1381 به 100 میلیون دالر و واردات به 2452 میلیون دالر و کسر بیلانس تجارت خارجی در آن سال به 2352 میلیون دالر میرسید، ولی ده سال بعد یعنی در سال 1390 مجموع صادرات ما 376 میلیون دالر و مجموع واردات بیش از 6390 میلیون دالر رسیده است که بیلانس تجارت خارجی یک کسر بسیار جدی را به مبلغ 6014 میلیون دالر یعنی واردات 16 چند بیشتر از صادرات را نشان میدهد.

یک شخص بیسواد هم میتواند به عمق فاجعه اقتصادی در همچو کشوری پی ببرد که به اصطلاح عوام «دخلس» یک و خرچش 16 « باشد. ثبات ارزش تبادلوی افغانی با دالر چیزی دیگر جز «پمپ دالر» در باراز پولی از طرف بانک مرکزی نمی باشد. مبرهن است که با خروج قوای خارجی و کم شدن کمک ها، ذخایر اسعاری بیش از 7 میلیارد دالر در مدت کوتاه به هوا خواهد رفت و بانک مرکزی قادر نخواهد بود تا از طریق فروش دالر نرخ تبادل را ثابت نگهدارد. در نتیجه نرخ تبادل از «ثبات مصنوعی» خود بسرعت به طرف «بی ثباتی»

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

مدهش» خواهد رفت که شاید طی یک مدت کوتاه نرخ تبادل به روی «ارزش حقیقی» آن در بازار عیار گردد یعنی احتمال دارد یک دالرتدریجاً تا 400 افغانی بلند برود. آنوقت باید به سرنوشت کشوری اندیشید که متکی به واردات است و تصور کرد که چه فاجعه رخ خواهد داد و زندگی مردم غریب چگونه در قهقرا فرو خواهد رفت!

11 - جناب رئیس جمهور در مورد سکتور حیاتی زراعت حرفی از پیشرفت ندارد، بلکه با اعتراف به نارسائی ها میخاهد توجه را به آینده جلب کند و در آخرین روزهای کاری خود برای مردم خوش باور امیدواری خلق کند. به این قسمت بیانیۀ شان توجه کنید: «مور یو زراعتی هیواد یو، په تیرو کلونو کې د زراعت په حوزه کې څه بهبود راغلی دی، خو زموږ د هیواد ظرفیتونو ته په پام سره لا هم مور تر اوسه بشپړې او تلپاتې خودکفایی ته نه یو رسیدلي. که چیرې د زراعت وزارت برنامه عملی شي، نو مور به په دې ساحه کې خودکفایی ته انشاءالله ژر ورسیرو. د زراعت او انرژي د خودکفایی او تامین په برخو کې زموږ جدي ستونزه د بندونو جوړول دي، دا خبره سمه ده چې د وړو بندونو جوړول د چاپیریال او اقتصادي دلایلو له مخې مفید او آسان دي، خو دلته باید دا یادونه وکړم چې زموږ له مکررو یادونو سره سره د لویو بندونو د جوړولو په برخه کې د مرسته کوونکو هیوادونو همکاري و نه کړه. د حل یوازینی لار داده چې مور پر خپلو امکاناتو دا پروژې عملی کړو. د ځینو لویو بندونو مقدماتي مطالعات شوي دي او ځیني هم تر کار لاندې دي. د لویو بندونو د جوړولو کار باید ډیر ژر پیل کړو» (ما یک کشور زراعتی هستیم، در سالهای گذشته در ساحه زراعت بعضی بهبود ها آمده است، اما با توجه به ظرفیت های کشور هنوز هم ما به خود کفائی بسیار نرسیده ایم. اگر برنامه های وزارت زراعت عملی شوند، ما به این ساحه انشاءالله بزودی به خود کفائی خواهیم رسید. برای خود کفائی در ساحه زراعت و تامین انرژي مشکلات جدی ما در قسمت ساختن بندها است، این گفته درست است که ساختن بندهای کوچک به دلایل محیطی و اقتصادی مفید و آسان است، اما در اینجا باید یاد آور شوم که کشور های کمک کننده همکاري نکردند. یگانه راه حل اینست که ما باید با امکانات خود این پروژه های عملی کنیم. مطالعات مقدماتی بعضی بند های بزرگ صورت گرفته است و بعضی هم زیر کار میباشند. اعمار بند های بزرگ را باید به بسیار زودی آغاز کرد).

این نوع بیانات جناب رئیس جمهور مثل سائر گفته هایش شباهت تام به قول معروف «روی یخ نوشتن و در آفتاب گذاشتن» دارد. اگر من جای او می بودم و مطلبی مهم برای گفتن در این مورد نمیداشتم، به خاموشی از کنار آن می گذشتم و با بیان حرفهای سطحی ده های سؤال را در ذهن شنونده خلق نمیکردم و بر بار تقصیرات دوره کاری خود نمی افزودم. اینکه چرا توجه جدی به انکشاف سکتور زراعت در طول مدت دوازده سال صورت نگرفته است، یکی از دلایل آن همانا رجحان تجارت بر زراعت در پالیسی کلی اقتصادی کشور و بدل مساعی در جهت مبدل شدن افغانستان به حیث یک «پل زمینی» بین آسیای مرکزی و جنوبی و انکشاف تجارت ترانزیت در منطقه بوده است که از همان روزهای اول پس از ایجاد اداره مؤقت در کشور به تاسی از اهداف عمده منطوقی و جاگزینی در ماشین بزرگ «جهانی شدن» (Globalization) از خواسته های مقدم جامعه صنعتی جهان و کشورهای منطقه بود تا منافع دراز مدت آنها را در آسیای مرکزی تضمین و تثبیت نمایند. عواقب این پالیسی برای اکثریت نادر کشور زیان آور است و ما را بیک کشور مستهلک و متکی به واردات مبدل می سازد.

بخاطر دارم در یک مصاحبه با رادیو آزادی به اشتراک وزیر مالیۀ وقت داکتر اشرف غنی احمدزی و اینجانب بتاريخ 23 دسمبر 2004 وقتی من به رجحان انکشاف زراعت بر تجارت تأکید کردم، موصوف بر نظر من انتقاد کرد و گفت که: «نظر شما مربوط سالهای 50 و 60 قرن پیشتر است و به درد قرن بیست و یکم نمیخورد». خوشحال هستم که ایشان بعد از ده سال متوجه اشتباه خود گردیده و اکنون به نقش زراعت در انکشاف اقتصادی کشور معترف شده است. (ثبت این مصاحبه نزد من موجود است)

با اطاعت ناعاقبت اندیشانه از همین نوع دساتیر و انگیزه های بیرونی دولتمردان ما در طول یک دهه اخیر به یکی از حیاتی ترین سکتورهای اقتصادی کشور یعنی زراعت توجه جدی نکردند و در نتیجه همین اغماض دیده میشود که اکنون کشور به خود کفائی نرسیده، بلکه بسیاری مواد زراعتی را از خارج وارد میکند. توضیحات مزید در این مختصر نمی گنجد، ورنه سخن بسیار است.

12 - جناب رئیس جمهور در بیانیۀ خود بار دیگر میخاهد شنونده را از زمین واقعیت ها به آسمان رویا ها و تخیلات پرواز دهد و دریچه تاریک آینده را پر نور و روشن جلوه دهد و می فرماید: «که بهرنی مرسته راسره نه وي مور په

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولی

دی اره په کابینه کې له درې کالو را هیسی خبرې شروع کړي دي، افغانستان به انشاءالله دا کار په خپل عاید او په خپلو پیسو وکړي... دی موضوع ته توجه زموږ ډیره اساسی وظیفه ده او زه ډاډه یم، چې آینده حکومت به دی موضوع ته توجه کوي» (اگر کمک های خارجی با ما نباشد، من در این باره از سه سال بدینسو صحبت را در کابینه شروع کرده ام، افغانستان انشاءالله این کار را به عاید خود و به پول خود میکند... توجه به این موضوع وظیفه اساسی ما است و من امیدوارم که حکومت آینده به این موضوع توجه میکند).

اگر مقصد جناب رئیس جمهور از «عاید خود و به پول خود» همانا عوایدی باشد که از مجرای منابع زیر زمینی کشوردریک آینده نامعلوم بدست خواهد آمد، باز هم شباهت به یک خواب و خیال دارد، زیرا استخراج منابع زیر زمینی کشور از یکطرف از پروژه های دراز مدت است و از طرف دیگر تابع شرایطی است که مهیا شدن آن بسیار پیچیده و سؤال انگیز میباشد. ترس من از آنست که «تا رسیدن جو از لغمان، بزک بیچاره از پا نیفتد». علاوه حواله دادن اجرای همچو اقدامات به حکومت بعدی به هیچ صورت معنی کم شدن بار مسئولیت ها را از شانه حکومت موجود نمی دهد و این سؤال را لاجواب می ماند که دوازده سال گذشته در این ساحه با چه دست آوردها همراه بوده است، ولی این گوشزدها میتواند حکومت آینده را متوجه رسالت بزرگش در قبال جبران کوتاهی های گذشته بسازد.

13 - جناب رئیس جمهور در بیانیه خود همان اشتباه بزرگی را که حکومت طی دوازده سال در مورد تعبیر نظام اقتصادی «بازار آزاد» به زعم «کلاسیک» آن یعنی نقش «غیرفعال و نظاره گر» دولت مرتکب شده است، بار دیگر تکرار کرده و چنین می فرماید: «در نظام اقتصادی که ما انتخاب کرده ایم، دولت تنظیم کننده امور است و نقش متوازن سازی را دارد... پس بر دولت و سکتور خصوصی است که باهم یکجای در مورد بهبود وضع ایجاد کار باهم همکاری بیشتر کنیم».

اقتصاد بازار آزاد در جهان امروز مقید به نقش «تنظیم کننده و متوازن سازی» دولت نیست، بلکه دولت وظیفه دارد تا به منظور رعایت منافع عامه و تأمین عدالت اجتماعی و ایجاد زیربناها خود در فعالیت های اقتصادی سهیم گردد و اقتصاد کشور را به سمت رفاه رهنمائی کند. این وظیفه دولت بخصوص برای کشورهاییکه تازه از جنگ های طولانی و ویرانگر سربلند میکنند، حتمی و ضروری است. افغانستان به حیث یک کشور جنگزده در وضعی قرار داشت که از همان آغاز تحول باید دولت در آماده سازی زمینه های انکشافی دست بکار می شد. محول کردن همه امور اقتصادی به سکتور خصوصی نوپا و ضعیف و به نظاره نشستن دولت در اینمرحله حساس یکی از اشتباهات بزرگ این دوره بوده است. القاح این نظر که گویا دولت در نقش «چوکیدار» باید حافظ منافع سکتور خصوصی باشد، وضع اقتصاد کشور را با وجود سرازیر شدن میالغ هنگفت کمهای مالی از خارج، بیک فاجعه چپاولگرانه توسط یک عده اشخاص اعم از داخلی و خارجی مبدل کرده است که در اثر آن بیشترین مقادیر کمک به نحوی دوباره به خارج انتقال یافته و در تحرک چرخهای اقتصادی به سود اکثریت نادار جامعه کمترین اثر را از خود بجا گذاشته است. این وضع از یکطرف سکتور خصوصی را بیشتر بطرف فعالیت های اقتصادی غیرقانونی و اغلب مافیائی کشانیده و از طرف دیگر دستگاه دولت در اثر نفوذ مافیا بیک اورگان ضعیف و پراز فساد مبدل شده و در نتیجه اعتماد مردم را به دولت صدمه رسانیده است. درنامه سرگشاده که اینجانب در جولای 2007 عنوانی جناب رئیس جمهور نگاهتم و رسماً به وسیله سفیر افغانستان در امریکا به ایشان تقدیم گردید، مطالبی مهمی را در زمینه خاطر نشان کردم که متأسفانه به آن توجه صورت نگرفت. (متن این نامه در آرشیف پورتال افغان جرمن آنلاین زیر نام اینجانب قابل دسترسی است)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی